

نقش و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی

علی جعفری^۱

چکیده

بیش از سی سال از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ می‌گذرد. با این وجود قریب به اتفاق صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که انقلاب اسلامی ایران همچنان بر تحولات منطقه‌ای و جهانی تاثیرگذار است. آن‌چه بیش از هر چیز این عقیده را تقویت کرده؛ بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا است؛ به طوری که بسیاری بر این نظرند با توجه به شواهد موجود و نظر به موقعیت معنوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، جنبش‌های اخیر ادامه روند انقلاب اسلامی ایران و متأثر از آن است. علاوه بر این اعتقاد بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در ادامه روند بیداری اسلامی نیز می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید؛ رواج گسترده‌ای دارد.

از این رو سؤال اصلی نویسنده در مقاله حاضر این است که انقلاب اسلامی ایران از چه جایگاهی در بیداری اسلامی برخوردار است؟ سؤال دیگر این است که جمهوری اسلامی ایران چه نقشی می‌تواند در ادامه روند بیداری اسلامی ایفا نماید؟ نویسنده بر این نظر است که با توجه به مشابهت‌های متعدد میان انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در کشورهای مختلف منطقه، همچون اسلام‌گرایی، مردمی بودن، استبداد ستیزی، دشمن مشترک، تاکید بر عدالت و آزادی، مخالفت با رژیم صهیونیستی و غیره، بیداری اسلامی ادامه روند انقلاب اسلامی ایران بوده و متأثر از آن است. بنابراین انقلاب مردمی ایران از جایگاه والایی در بیداری اسلامی برخوردار است. همچنین جمهوری اسلامی ایران در ادامه روند بیداری اسلامی می‌تواند نقش الگو ساز، حامی، امید بخش و برطرف‌کننده موانع و غیره را ایفا نماید.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران

^۱ پژوهشگر مسائل سیاسی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران عضو دفتر نخبگان و سرآمدان شاهد و ایثارگر کشور، شماره تماس: ۰۹۳۵۳۸۰۴۳۲۰، پست الکترونیک: al_jafari@yahoo.com



بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ از مهم‌ترین رویدادهای چند دهه اخیر به شمار آورد. بسیاری بر این عقیده‌اند که پایان عمر دیکتاتورهای تونس، لیبی، مصر و یمن و ادامه این روند در سایر کشورهای دیکتاتوری منطقه امری محتمل بود که دیر یا زود اتفاق می‌افتاد؛ چرا که این روند از سی و اندی سال پیش در ایران آغاز شده بود و حکومت چند ده ساله پهلوی را به سقوط کشانید. از این رو با توجه به تفکرات اسلامی حاکم بر مردم انقلابی ایران و با توجه به اهداف انقلاب و رهبری بی‌نظیر امام خمینی (ره) انتظار این می‌رفت که در سایر کشورهای منطقه نیز چنین رویدادی تکرار شود. این اتفاق افتاد و همانطور که انقلاب اسلامی ایران موازنه قدرت و ساختار سیاسی منطقه را به ضرر کشورهای غربی دگرگون کرد، بیداری اسلامی نیز ژئوپلیتیک سیاسی منطقه را تغییر داد و منافع بسیاری از کشورها همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی را دچار تهدید نمود. در این راستا بسیاری از کارشناسان، وقوع بیداری اسلامی و تحولات سریع در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از لحاظ شکل و محتوا یادآور انقلاب اسلامی ایران است. به گفته مقام معظم رهبری «ما نمی‌گوییم که ملت ایران تحولات اخیر را به وجود آورده است، اما نادیده گرفتن تأثیر بیداری ملت ایران در بیداری اسلامی نیز منطقی نیست». با این وجود برخی همچنان منکر این ارتباط هستند. اما اینکه چگونه و با چه استدلالی می‌توان انقلاب اسلامی ایران را به بیداری اسلامی در منطقه مرتبط دانست منوط به بررسی مصادیق تاثیرگذار بر تحولات و اهداف مشترک انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در سایر کشورهای منطقه است.

با توجه به مطالب پیش گفته و در راستای روشن شدن ارتباط انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه، مقاله حاضر ضمن بررسی اجمالی انقلاب اسلامی ایران که آغازگر عصری جدید در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود و همچنین نگاهی کوتاه به روند بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا که تحولی دوباره پس از انقلاب ایران ایجاد کرد، به تبیین مصادیق و اهداف مشترک انقلاب اسلامی ایران و تحولات در سایر کشورهای منطقه پرداخته و به چالش‌های پیش‌روی بیداری اسلامی و نقش جمهوری اسلامی ایران در حل چالش‌ها اشاره می‌کنیم. در پایان نیز چشم‌انداز تاثیرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی در منطقه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

انقلاب اسلامی ایران؛ تحولی تاثیرگذار

تاکنون انقلاب‌های متعددی در دنیا رخ داده که هر کدام در نوع خود از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اما انقلاب اسلامی ایران با توجه به محتوای دینی و اسلامی و تاثیرگذاری، نسبت به سایر

انقلاب‌ها اهمیت والایی دارد. علاوه بر این انقلاب ایران به یکباره معادلات قدرت‌های بزرگ جهانی را بر هم زد و از این منظر منشأ دگرگونی در موازنه قدرت گردید که این نیز خود بر اهمیت انقلاب اسلامی ایران افزود.

همانطور که گفته شد اسلام و محتوای دینی از جمله شاخص‌های انقلاب ایران بود که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز کرد و به آن اهمیت داد. در واقع اسلام مهم‌ترین بستر انقلاب ایران بود. اسلامی که به انقلاب ۱۳۵۷ ایران ماهیت و ظاهری دینی داد؛ انقلابی که چه از لحاظ رهبری، چه از لحاظ خواست توده‌های مردم، چه از لحاظ مبدأ و چه از لحاظ نهادهای پس از پیروزی انقلابی دینی و اسلامی به شمار می‌رود. امام خمینی (ره) پدید آورنده گفتمانی از اسلام بود که تمام زوایای زندگی انسان‌ها را در بر می‌گرفت؛ سیاست را همنشین دینت کرد و طرحی جدید را به جهانیان معرفی نمود. ^(۱) از منظر دیگر ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران چالشی جدی در برابر دنیای شرق که دین را افیون توده‌ها می‌دانست و دنیای غرب که آن را از عرصه سیاسی-اجتماعی بشر به حاشیه رانده بود، ایجاد کرد. پیدایش این انقلاب در عرصه داخلی و بین‌المللی، تفاوت‌های بنیادین آن با سایر انقلاب‌های جهان، ظرفیت‌های فراوان ایدئولوژی آن در بر انداختن طرحی نو در اداره شئون مختلف جامعه در مواجهه با پارادایم‌های غالب کمونیستی و لیبرالیستی و در نهایت تاثیرگذاری شگرف این تحول بر ملل مظلوم جهان به خصوص تاثیرگذاری بر ظهور و بروز جنبش‌های سیاسی اسلامی و غیر اسلامی آزادی‌خواه باعث توجه محافل فکری و سیاسی به این پدیده بزرگ گردید. ^(۲)

اگرچه تاثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورها و گروه‌های مختلف بر حسب ویژگی خود متفاوت بوده است اما تمام این تأثیر پذیری‌ها در حوزه اسلام‌گرایی و بازگشت به دین قابل طبقه‌بندی است. در عراق بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد تشدید فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا مانند حزب الدعوة هستیم که تحت رهبری آیت‌آ... صدر با رویکردی کاملاً اسلامی در سال ۱۳۶۱ از جهات مختلف تحت تأثیر انقلاب ایران قرار دارد. این وضعیت در لبنان نیز با حمایت حداقلی شیعه و وجود تکثر مذهبی میان مردم، به گونه دیگری وجود دارد؛ به طوری که بیشترین نفوذ سیاسی و فرهنگی بعد از انقلاب در لبنان بوده است. به عبارت دیگر تأثیر انقلاب اسلامی چنان تأثیری بر شیعیان لبنان داشته است که در مدت کوتاهی پنج قدرت بزرگ غربی را بدون دادن کوچک‌ترین امتیازی وادار به فرار از کشور نماید و امروز در حقیقت حزب آ... و جنبش امل و در میان گروه‌های سنی جنبش توحید اسلامی به رهبری شیخ سعید شعبان تحت تأثیر مستقیم انقلاب رشد کرده‌اند. ^(۳) نمونه‌هایی از این دست را در مورد فلسطین نیز می‌توان مثال زد. وجود دشمن صهیونیستی نیز مزید بر علت شده تأثیرپذیری فلسطین از انگار انقلاب اسلامی به میزان چشمگیری افزایش یابد؛ به طوری دو گروه که

حماس و جهاد اسلامی در دهه ۱۹۸۰ موجودیت خود را متأثر از انقلاب اسلامی دانستند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین پس از انقلاب ایران طی بیانیه‌ای تصمیم گرفت واژه اسلامی را به جای خلق به کار برد. همچنین برخی رژیم‌های غربی و عربی با نگرانی از نفوذ انقلاب اسلامی ایران، جنگ ۳۳ روزه حزب آ... در سال ۲۰۰۶ را مناظره‌ای ایدئولوژیک در ورای ژئوپلیتیک ایران قلمداد کردند و در طول جنگ حرف‌هایی در مورد جنگ نیابتی در لبنان بین ایران و آمریکا به زبان می‌آوردند.^(۴)

با توجه به مباحث پیشین، انقلاب اسلامی ایران به آغاز عصری منجر شد که فرهنگ عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، استکبار ستیزی، مقاومت در برابر سلطه قدرت‌های جهانی و غیره، با محوریت اسلام را نهادینه کرد؛ به طوری که قدرت‌های جهانی را به مقابله با انقلاب ایران واداشت؛ اما نه تنها نتیجه‌ای نداشت بلکه انقلاب اسلامی ایران بر سایر کشورها و جنبش‌ها تأثیر گذارد و فرهنگ اسلامی خود را گستراند و روز به روز مقتدرتر گردید تا جایی که امروزه بسیاری معتقدند بیداری اسلامی ادامه انقلاب اسلامی ایران است. این تأثیرگذاری را باید در شاخص‌های انقلاب اسلامی ایران جستجو کرد که بارها در دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری دیده شده است: شاخص‌هایی همچون اسلام ناب، استکبار ستیزی، عدالت خواهی و آزادی طلبی، حمایت از مظلومان، مردمی بودن، استقلال^(۵) و غیره که بسیاری از آن‌ها در بیداری اخیر اسلامی نیز به چشم می‌خورد.

بیداری اسلامی؛ تحولی دوباره

به جرئت می‌توان گفت بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که روند آن همچنان ادامه دارد؛ یکی از بزرگ‌ترین حوادث چند دهه اخیر است. خیزش‌های مردمی و اسلامی در منطقه منا به سقوط دولت‌های بن‌علی در تونس، مبارک در مصر، حذف خونین قذافی در لیبی، تغییرات گریزناپذیر در یمن و بحرین و نا آرامی‌های جدی در سوریه و تغییرات قانون اساسی در مراکش و غیره، انجامیده است.^(۶) به طور کلی اعتراضات مردمی در جریان بیداری اسلامی در ۲۷ آذر ۱۳۸۹ برابر با ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ با قیام تونس و در پی خود سوزی محمد بوعزیزی، در اعتراضات به فساد و بد رفتاری پلیس، آغاز شد و با فرار زین العابدین بن علی، رئیس جمهور تونس به عربستان شکل جدی به خود گرفت.^(۷) به دلیل وجود شرایط مشابه در سایر کشورهای منطقه و موفقیت اعتراضات در تونس، اعتراضات با زنجیره‌ای از نا آرامی‌ها در الجزایر، اردن، مصر، یمن، بحرین، لیبی و عربستان نیز ادامه یافت. بیشتر این اعتراضات در کشورهایی رخ داد که حاکمان آن، از همپیمانان ایالات متحده محسوب می‌شدند و از حمایت‌های سیاسی و اقتصادی این کشور استفاده می‌کردند. اما به هر حال

باید به ریشه‌های خیزش مردمی در منطقه توجه کرد و دلایل آن را مورد بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد سه دلیل عمده خیزش مردمی عبارت‌اند از:

- مطالبات دین محور:

مهم‌ترین جریان خیزشی در قیام‌های خاورمیانه عربی جریان اسلامی است که وضعیت خاص آن جنبش اخوان المسلمین و انشعابات آن برپایه دو مبنای دعوتی و جهادی می‌باشد، که اساس این بینش و طرز تفکر هم برگرفته از اعتقاد آنان به سنت رسول اکرم (ص) در مکه و مدینه است. گذشته از این، آغاز برخی از این حرکت‌های انقلابی اگر چه ممکن است متأثر از برخی مطالبات اقتصادی و سیاسی باشد ولی تبدیل مکان‌ها یا نهادهای مذهبی نظیر نمازهای جمعه و جماعات و مساجد به عنوان خاستگاه و نقطه آغاز این تحركات و شعارهای اسلامی نمایانگر جهت‌گیری اصلی این تحركات انقلابی است از این رو جریان‌های اصلی مردمی و حزبی را اسلام‌گرایان تشکیل می‌دهند و حتی ناسیونالیست‌ها و دیگر اقشار و احزاب کوچک‌تر، تضادی با مسلمانی و اسلام ندارند. (۸)

- استبداد سیاسی:

بدون استثنا تمام مردم کشورهای درگیر خیزش مردمی دچار رژیم استبدادی بودند و این مسئله یکی از عوامل اصلی خیزش‌های مردمی در منطقه به شمار می‌رود. ویژگی مشترک در میان این رژیم‌های مستبد همانا طولانی بودن عمر مستبدین و نظام‌های استبدادیشان است. زین العابدین بن علی ۲۳ سال بود که در تونس بر اریکه قدرت تکیه زده بود، و حسنی مبارک ۳۰ سال خود را تکمیل می‌کرد. اما معمر القذافی ۴۲ نزدیک به ۴۳ سال حکومت می‌کرد و علی صالح ۳۳ سال قدرت را در دست داشت.^(۹) طولانی بودن مدت حکمرانی و حتی سالخوردگی حکمرانان مستبد یگانه سبب اعتراض مردم نبوده، بلکه سلب آزادی سیاسی و فکری مردم و تنگ ساختن عرصه فعالیت بر مخالفین سیاسی و خالی ساختن جامعه از وجود هر نوع اپوزیسیون فعال و مطرح اسباب اصلی اعتراضات مردمی را فراهم آورد.

- فقر و بحران‌های اقتصادی:

اقتصادهای ضعیف و ورشکسته و وضعیت نامناسب معیشتی مردم از دیگر عوامل شکل‌گیری خیزش‌های مردمی به شمار می‌رود. در نگرش اولیه به قیام‌های صورت گرفته در خاورمیانه و شمال آفریقا در می‌یابیم که دلایل عمده قیام‌های مزبور را بحران‌های اقتصادی به‌طور عام و اقتصاد معیشتی خانواده‌ها به طور خاص ذکر می‌کنند. دلایلی همچون معضل فقر، بیکاری، مسکن، مهاجرت و غیره



شامل این موارد است، لیکن باید توجه داشت که دلایل مزبور نمی‌تواند به‌عنوان ماهیت اصلی و ریشه‌ای این قیام‌ها تلقی شود؛ هرچند ممکن است زمینه ساز این خیزش‌ها بوده باشد.^(۱۰) به جز دلایل برشمرده، دلایل دیگری نیز در تسریع روند خیزش‌ها مؤثر بوده است که می‌توان به فساد اداری و مالی، نسل جوان و سرخورده از رژیم‌های استبدادی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، ضدیت افکار عمومی با نظام سلطه و غیره، اشاره کرد. اما همانطور که پیش از این گفته شد محور تمام عوامل پیش گفته، مطالبات دینی مردم بود که سایر چالش‌ها را حول محور دین متمرکز ساخت و روزنه پیروزی انقلاب‌ها را گشود.

اما نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که بیداری اسلامی در خاورمیانه همچون انقلاب اسلامی ایران به نقطه عطفی تبدیل شد که قدرت‌های بزرگ را به شدت نگران ساخت. این تحول که شوک بزرگی برای غرب به شمار می‌رفت تا جایی پیشروی کرد که آمریکا و سایر کشورها را به برنامه ریزی و جهت‌دهی به تحولات واداشت تا منافع تثبیت شده آن‌ها در طی حکمرانی حاکمان مستبد، به خطر نیفتد. همانطور که می‌دانیم کشورهای همچون مصر، لیبی، تونس و یمن سال‌ها تحت حمایت آمریکا و غرب بودند و حاکمان کشورهای مذکور به هر طریق منافع آن‌ها را تأمین می‌کردند. این مسئله یادآور حمایت آمریکا از محمد رضا شاه پهلوی است. شاه ایران که منافع غرب را تأمین می‌نمود شدیداً تحت حمایت آمریکا قرار داشت اما در هر صورت با انقلاب اسلامی مردم ایران سقوط کرد و منافع غرب مورد تهدید قرار گرفت. حال پس از گذشت سی سال، نه در یک کشور بلکه تاکنون در چهار کشور شرایط مشابهی رقم خورده که غرب را دچار هراس کرده است. بنابراین تکیه مردم انقلابی بر اصول اسلامی، مبارزه با سلطه‌گران، آزادی و عدالت خواهی، مبارزه با رژیم‌های دست‌نشانده و غیره، منجر به تحولی گردید که بدون شک دنباله تحول آغاز شده از سال ۵۷ و انقلاب ایران است و از این منظر می‌توان بیداری اسلامی را تحولی دوباره دانست که اصول انقلاب اسلامی ایران را تقویت کرده و بر آن تاکید می‌نماید.

انگاره‌های مشترک انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی

با نگاهی عمیق به ریشه‌ها و روندهای بیداری اسلامی متوجه می‌شویم که زمینه‌های شکل‌گیری بیداری ملت ایران و ملت‌های منطقه در جریان‌ات اخیر و آنچه در این خیزش‌ها از سوی مردم مطالبه می‌شود با آنچه در سه دهه پیش از سوی ملت ایران مطالبه می‌گردید مشابه است. طبق نظر کارشناسان علل اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در عوامل زیر خلاصه نمود: بی‌توجهی به اعتقادات مذهبی مردم، عدم کارایی و مدیریتی حکومت، فساد خانواده سلطنتی و سوء استفاده از قدرت، وابستگی شدید به قدرت و تصمیمات خارجی در اداره حکومت، فساد اداری و

اجتماعی ویرانگر، جاه‌طلبی‌های بی‌حد و مرز شخص شاه، فقر گسترده و شکاف طبقاتی و سرانجام تحرک بخش‌های مهمی از جامعه روشنفکران تحصیل کرده که در نهایت به بیداری ملت ایران انجامید.^(۱۱) این در حالی است که کشورهای مصر، لیبی، تونس، یمن، بحرین و غیره نیز با چنین مسائلی روبه‌رو بوده‌اند. بنابراین می‌توان استنباط نمود که روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا و مطالبات آن‌ها، با توجه به عوامل ذکر شده مشابهت دارند. اما اگر بخواهیم انگاره‌های مشترک انقلاب اسلامی ایران و رویدادهای پس از آن را با بیداری اسلامی به صورت منسجم مورد بررسی قرار دهیم باید به پنج شاخص زیر توجه نماییم:

۱. ایدئولوژی واحد (اسلام)

انقلاب سال ۵۷ انقلابی اسلامی بود و این را می‌توان از شعارهای مردم، اظهارات، افکار، روش و منش رهبران آن پی برد. خاستگاه انقلاب ایران مساجد بود و راهپیمایی‌های بزرگ مردمی عمدتاً در مناسبت‌های مردمی برگزار می‌گردید. بسیاری از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچون اصل اول و چهارم نیز موید این مطلب است.^(۱۲) خیزش‌های مردمی اخیر نیز از قاعده انقلاب ایران مستثنی نیست و آن را می‌توان با چند مثال به اثبات رسانید. در این رابطه می‌توان به نتایج انتخابات در تونس و مصر و شعارهای انقلابیون در طی اعتراضات و غیره، اشاره کرد.

تونس کشوری بود که رهبران آن همچون بن علی نه تنها به ریشه‌کن کردن حرکت‌های انقلابی اکتفا نکردند؛ بلکه تلاش کردند هرگونه رفتار و نشانه اسلامی را نیز از سطح جامعه پاک کنند. نمونه آن هم اجرای قانون ممنوعیت حجاب در تونس بود. اما زمانی که انتخابات آزاد در این کشور برگزار شد، حزب اسلام‌گرای النهضه به پیروزی رسید. نکته جالب اینکه حزب مذکور تنها در داخل تونس مورد استقبال قرار نگرفت، بلکه ۵۰۰ هزار تونسی فرانسسه نیز ۳۳/۵ درصد آرا را به حزب النهضه اختصاص دادند.^(۱۳) این مسئله در رابطه با مصر نیز مصداق دارد. در انتخابات مجلس شورای مصر نیز حزب آزادی و عدالت وابسته به گروه اخوان المسلمین با کسب ۱۰۶ کرسی در انتخابات، ۵۸٫۳ درصد آرا را از آن خود کرد که پیروزی بزرگی برای اسلام‌گرایان به حساب می‌آید^(۱۴) و نشان دهنده استقبال گسترده مصری‌ها از اسلام و اصول اسلامی است. علاوه بر این شعارهای مردم در طی مدت اعتراضات نیز اسلامی بوده است. سر دادن شعار الله اکبر و برگزاری اعتراضات طی نماز جمعه نیز موید مطالب پیش گفته است. در نتیجه انقلاب اسلامی گرچه یک انقلاب شیعی بود، اما در کل آنچه را اعلام می‌کرد دعوت دوباره به تفکر اسلامی بود که در اصول بی‌بدیل دین اسلام تجسم یافته است. همان‌طور که اسلام خمیر مایه انقلاب ایران بود هم‌اکنون مشاهده می‌کنیم که توجه به اصول اسلامی

و احیای فرهنگ دینی، جوهره تمامی جنبش‌هایی را تشکیل می‌دهد که از مدت‌ها پیش در خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز گردیده و همچنان ادامه دارد.

۲. مردمی بودن

انقلاب اسلامی ایران، از بدو شکل‌گیری شاهد حضور مردم بود و تمام فعالیت‌های انقلابی عمدتاً به دست خود مردم انجام می‌گرفت. در دوران پیش از پیروزی انقلاب، مردم ایران خود اقدام به توزیع اعلامیه‌های امام می‌کردند و با هزینه خود آثار انقلابی را گسترش می‌دادند و امام نیز همیشه بر نقش مردم تاکید داشتند و به دنبال بیدار سازی مردم بودند. البته اقدامات نتیجه بخش بود و حضور میلیونی مردم به سقوط رژیم شاهنشاهی و استقرار جمهوری اسلامی انجامید.^(۱۵) این مسئله همان چیزی است که در جریان خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی نیز به چشم می‌خورد. حضور میلیونی و خودجوش مردم در اعتراضات و به نتیجه رساندن آن و حتی اعتراضات پس از سقوط دیکتاتورها به ویژه در مصر، به دلیل نگرانی از انحراف از آرمان‌های انقلاب موید مردمی بودن بیداری اسلامی در منطقه است.

۳. دشمن مشترک

شکی نیست که ملت‌های مسلمان منطقه دشمن مشترکی دارند که با نیات مختلف و با استفاده از ابزارهای متفاوت قصد تسلط بر آن‌ها را دارند. تسلط کشورهای غربی و به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی این کشورها یکی از نقاط مشترکی است که در مورد تمامی کشورهای درگیر مصداق مشخص و روشنی دارد. تعهد آمریکا به تأمین امنیت دائمی رژیم اسرائیل باعث می‌شد که آمریکایی‌ها برای حضور در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها، برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریان‌ات سازشگر در میان حاکمان این کشورها تلاش وافر بنمایند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که همراهی حکمرانان این کشورها به رغم وجود اراده‌های قوی مردمی مبنی بر مبارزه با رژیم اسرائیل تنها به علت هم پیمانی با آمریکا و اسرائیل نه تنها به این خواست‌ها واقعی ننهاده بلکه دقیقاً در نقطه مقابل خواست اکثریت مردم کشورهای خود همراه و همسو با آمریکا و اسرائیل در جهت تأمین منافع آنان گام برمی‌داشتند. امضای پیمان صلح با اسرائیل، موافقت با حمله اسرائیل به غزه و جریان مقاومت اسلامی در منطقه، محدود کردن مبارزان فلسطینی، بستن گذرگاه رفح و محاصره کامل غزه به درخواست رژیم اسرائیل به رغم خواست اکثریت مردم این کشورها، تنها چند نمونه است.^(۱۶) بنابراین یکی از مصادیق مشترک انقلاب ایران و بیداری اسلامی دشمن مشترک

است که آمریکا در رأس آن قرار دارد و در طی سال‌های پس از بیداری مردم نیز قصد ضربه زدن به انقلاب را داشته و دارد.

۴. استبداد ستیزی

استبداد ستیزی را می‌توان یکی از وجوه مشترک انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا دانست. مردم ایران سال‌ها از حاکمیت رژیم پهلوی که امور مملکتی را به دستور غرب و آمریکا پیش می‌برد به ستوه آمده بودند. محدود کردن احزاب، خفقان سیاسی، تضعیف اصول اسلامی، تسلط غرب بر مملکت، فساد و رکود اقتصادی و غیره، استبداد را به جایی رسانید که بیداری مردم را منجر شد و حکومت پهلوی را به سوی سقوط سوق داد. در رابطه با کشورهای انقلابی منطقه نیز باید گفت مردم این کشورها از حکومت چند ده ساله حاکمان خود که با استبداد شدید ممالک خود را اداره می‌کردند و تحت حمایت و تسلط غرب و آمریکا بودند بیزار و در نهایت موفق به پیشبرد انقلاب در مصر، لیبی، تونس و یمن شدند. بنابراین استبداد ستیزی یکی از انگاره‌های مشترک بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران است که در هر دو مورد برای پیروزی نقش مهمی را ایفا کرد.

۵. تاکید بر عدالت و آزادی

به جرئت می‌توان گفت با آغاز انقلاب اسلامی ایران دین و دینداری در جهان گسترش یافته و مفاهیمی همچون عدالت و آزادی که پیش از این در قالب نظریات مادی تعریف می‌گردید، در قالب مفاهیم دینی تعریف شد. این مفهوم از مفاهیم اصلی اندیشه امام خمینی (ره) بوده، به گونه‌ای که باید واژه عدالت را «واژه کلیدی» اندیشه امام خمینی (ره) به حساب آوریم.^(۱۷) این در حالی است که قیام‌های اخیر مردمی در کشورهای عربی منطقه نیز بر عدالت و آزادی تاکید نموده و خواستار دستیابی واقعی به آن بوده و هستند. در واقع مردم معترض در قیام‌های اخیر تحقق عدالت و آزادی را مسئله‌ای می‌دانند که در صورت دستیابی به آن، خواهند توانست منافع دنیوی و اخروی خود را کسب نمایند.

۶. ضد صهیونیستی بودن:

یکی از مواردی که در بیداری اسلامی مشهود بود، ماهیت ضد صهیونیستی بودن آن است. در جریان موج بیداری اسلامی، یکی از خواسته‌های اصلی مردم و شعارهای آنان، قطع رابطه با اسرائیل بود. اوج این تحرکات را در مصر مشاهده می‌کنیم. از نخستین اقدامات در مصر مخالفت با انتقال گاز



به اسرائیل و مهم‌ترین اقدام آنان حمله مردم به سفارتخانه رژیم صهیونیستی در قاهره است.^(۱۸) همچنین تاکید رهبران تونس بر عدم ارتباط با اسرائیل و مواردی از این دست نشان‌دهنده ضد صهیونیستی بودن بیداری اسلامی است. در انقلاب اسلامی ایران نیز مخالفت با رژیم جعلی اسرائیل یکی از شعارهای اصلی مردم و رهبر آن به شمار می‌رفت. امام خمینی (ره) در جایی می‌فرماید: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داد، کمک او به اسرائیل است...». در این راستا با وقوع انقلاب اسلامی روابط با اسرائیل قطع و سفارت آن رژیم به سفارت فلسطین تبدیل گردید. همچنین حضرت امام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس نامیدند و مردم ایران و جهان در طول سال‌های پس از انقلاب این روز را گرمی داشتند. در نتیجه اسرائیل ستیزی یکی از وجوه مشترک انقلاب ایران و بیداری اسلامی به شمار می‌رود.

به هر ترتیب باید گفت خیزش اسلامی در کشورهای منطقه، به گفته مقام معظم رهبری اگرچه به وجود آورنده تحولات اخیر نبوده اما متأثر از بیداری ملت ایران در سال ۵۷ است. دیدیم که مشابهت‌های بسیاری بین بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد و همین مشابهت‌ها خود نشان دهنده برد و تاثیرگذاری انقلاب ایران و الگو پذیری از مصادیق انقلاب ۵۷ است. بدون شک انگاره‌های انقلاب اسلامی در آینده و در ادامه بیداری اسلامی نیز کارساز خواهد بود و به پیشبرد همه‌جانبه بیداری کمک خواهد کرد.

چالش‌های پیش‌روی بیداری اسلامی و نقش جمهوری اسلامی در پیشبرد آن (چشم‌انداز)

به نظر می‌رسد بیداری اسلامی در اول راه قرار دارد و مسلماً با چالش‌های بسیاری رو به رو خواهد بود. بازی قدرت کشورهای غربی به ویژه آمریکا در کشورهای درگیر، مناقشه میان عناصر و ساختار قدرت گذشته و گروه‌های انقلابی جدید، تعارض ایدئولوژی گروه‌ها از جمله جریان‌های اسلام‌گرا و گروه‌های سکولار، رقابت قدرت میان احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، چالش تدوین قانون اساسی و پیچیدگی روندهای سیاسی، مداخله سیاسی بازیگران خارجی به ویژه غرب، فقدان سنت‌ها و ساختارهای دموکراتیک و احتمال تشدید خشونت‌های سیاسی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کشورهای در حال تحول است.^(۱۹) در این صورت سؤال اساسی مطرح این است که جمهوری اسلامی ایران در ادامه روند بیداری اسلامی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

بی تردید جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربیات گرانبهای خود، چراغ راهنما و الگوی مناسبی برای کشورهای متحول شده در منطقه خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران در طی سی و چند سال گذشته بسیاری از چالش‌ها را پشت سر گذاشته و مسیر انقلاب را به درستی پیموده است. در بعد

خارجی دشمنان انقلاب چه در ایران و چه در خاورمیانه همچنان نگران تحولات هستند و از هر ابزاری برای ضربه زدن استفاده خواهند نمود. در بعد داخلی نیز کشورهای انقلابی با همان مشکلاتی رو به رو هستند که ایران در زمان پس از انقلاب رو به رو بود. با این تفاوت که در ایران رهبری امام خمینی (ره) زمینه ساز گشایش بسیاری از چالش‌ها بود؛ حال آنکه در کشورهای انقلابی از رهبری واحد و جامع نگر خبری نیست و این مسئله کار را برای مردم سخت کرده است. با این حال، جمهوری اسلامی در چند بعد می‌تواند در آینده بیداری اسلامی نقش‌آفرینی کند و در قالب سه بعد مذکور می‌تواند:

- الگوساز باشد: حضرت امام خمینی (ره) پس از انقلاب حکومتی را نهادینه کردند که دین و سیاست را به هم پیوند داد و در دورانی که تفکرات کمونیسم و لیبرالیسم در شرق و غرب حاکمیت می‌کرد؛ نوعی از حکومت را به وجود آورد که آرمان‌های دینی و سیاسی مردم را به صورت همزمان تحقق بخشید. از این رو با توجه به ظرفیت‌های بی‌نظیر این نوع حکومت، جمهوری اسلامی با دیپلماسی فعال و روشن‌گر خواهد توانست الگوی خود را معرفی و به آن‌ها در جهت تحقق آن کمک نماید.

- امید بخش باشد: همانطور که گفته شد ازدیاد چالش‌ها در کشورهای انقلابی منطقه ممکن است امید مردم را در میانه راه جهت رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خود نا امید سازد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به پشت سر گذاشتن بسیاری از چالش‌ها از انقلاب تاکنون و نظر به مقاومت و امیدواری در جهت رفع چالش‌های پیش‌رو که با نگاه به آینده محقق شده و خواهد شد؛ می‌توان امید بخش کشورهای انقلابی و مردم آن‌ها باشد و آن‌ها را به ادامه راه تشویق نماید.

- حامی باشد: جمهوری اسلامی با توجه نفوذ معنوی خود در خاورمیانه و در میان گروه‌های اسلام‌گرا و با توجه به برخورداری از تجربیات ارزنده و سرنوشت‌ساز قادر خواهد بود حمایت معنوی جنبش‌های اسلامی را بر عهده گیرد و از این طریق به پیشبرد اهداف آن‌ها کمک نماید. جمهوری اسلامی باید چالش‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را از طریق دیپلماسی عمومی گوشزد و در جهت رفع چالش‌ها راهکار معرفی نماید. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران این ظرفیت را دارد که با توجه تجربیات پیشین، به انحاء مختلف رافع موانع بیداری اسلامی باشد و در طی مسیر به عنوان رهبر معنوی و الگوی کشورهای انقلابی عمل نماید.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر ضمن اشاره مختصر به انقلاب اسلامی ایران به عنوان تحولی تأثیرگذار در منطقه و نظام بین‌الملل و بیداری اسلامی به عنوان ادامه تحول تأثیرگذار گذشته، انگاره‌های مشترک انقلاب

اسلامی و تحولات اخیر را مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به مباحث پیشین، بسیاری از کارشناسان و ناظران بر این عقیده‌اند که شعارهایی مانند لاشرقیه لاغربیه، الله اکبر، هیئات من الذله، الموت الآمریکا و اسرائیل - که جزو اصلی‌ترین شعارهای انقلاب‌های اخیر است - الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران است. عمده شعارهای جنبش‌های بیداری از یک‌سو صبغه دینی داشته و از سوی دیگر بر عنصر مقاومت در برابر ستمگران داخلی و خارجی تاکید می‌کنند و در همین راستا با اهدافی همچون اهداف انقلاب اسلامی طی مسیر می‌کنند. همچنین در ادامه مقاله به نقش مهم و تأثیر گذار جمهوری اسلامی ایران در روندهای آتی بیداری اسلامی اشاره کردیم و گفتیم که جمهوری اسلامی ظرفیت الگوسازی، امید بخشی و حمایت از جنبش‌ها را دارد و می‌تواند به عنوان رافع موانع نقش‌آفرینی نماید. در پایان باید گفت سیر تحولات همواره به صورت پیوسته همراه با تأثیر و تأثر از وقایع بوده است. هر اتفاق و تغییر و تحولی بدون شک از پشتوانه تاریخی و عقلی برخوردار است. تحولاتی که در کشورهای عربی شاهد آن بوده‌ایم از این امر مستثنی نیستند و بدون شک پشتوانه فکری این تحولات، انقلاب اسلامی ایران است. با این وجود نباید انتظار داشت در این کشورها حکومتی شبیه حکومت ولایت فقیه در ایران روی کار آید چرا که حکومت ولایت فقیه مختص فقه شیعه است. رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرماید: «مطلوب مردم به‌پا خاسته مردم سالاری اسلامی است. یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده می‌شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است.»^(۲۰)

در پایان نویسنده معتقد است نقش جمهوری اسلامی در بیداری اسلامی بسیار مهم و تأثیرگذار و جایگاه انقلاب اسلامی در جنبش‌های مردمی از مقام والایی برخوردار است. به گفته مقام معظم رهبری عصر امام خمینی (ره) است و این عصر عبارت است از بیداری، جرات و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و سربرآوردن ارزش‌های الهی و معنوی.^(۲۱)

منابع

۱. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱، بهار)، «بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، صص ۱۴۰-۱۱۳
۲. متقی‌زاده، احمد (۱۳۹۰، تابستان)، «مولفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۰۵
۳. عباسی اشلقی، پیشین، صص ۱۴۰-۱۱۳
۴. همان

۵. ساروی، محمد علی (۱۳۹۱، فروردین)، «شاخص‌ها و محورهای اساسی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجله پرسمان، شماره ۱۱۱، صص ۲۲-۲۳
۶. احمدی، بهزاد (۱۳۹۱، بهار)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و آلمان در پرتو تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی روابط ایران و اروپا، به کوشش علی جعفری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، صص ۴۳۲-۴۴۷
۷. اعتمادی، فرامرز (۱۳۹۱، اسفند)، «نگاهی به بیداری اسلامی در خاورمیانه»، مجله سرباز، سال ۳۲، شماره ۱۸۸، صص ۶۰-۶۱
۸. رضایی، فاطمه (۱۳۹۱، بهار)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و آلمان در پرتو تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی روابط ایران و اروپا، به کوشش علی جعفری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، صص ۴۶۹-۴۹۷
۹. تائب، مطیع الله (۱۳۹۰)، «ریشه‌ها و انگیزه‌های خیزش‌های مردمی در جهان اسلام»، برگرفته از سایت اصلاح آنلاین
۱۰. رضایی، پیشین، صص ۴۶۹-۴۹۷
۱۱. قالیباف، محمد باقر (۱۳۹۰، اسفند)، «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، برگرفته از سایت خبری تحلیلی فرارو
۱۲. فلاح، محمدرضا (زمستان، ۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی در آینه انقلاب اسلامی»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۲۱، صص ۵۱-۵۸
۱۳. همان
۱۴. «اسلام‌گرایان پیروز انتخابات مجلس شورای مصر شدند» (۱۳۹۰/۱۲/۷)، برگرفته از سایت خبری مهرنیوز
۱۵. فلاح، پیشین، صص ۵۱-۵۸
۱۶. ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰/۹/۱۳)، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب: بهار عربی یا بیداری اسلامی؟»، برگرفته از وبسایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
۱۷. جوادی ارجمند، محمدجعفر و جواد حق‌گو (۱۳۹۰، پاییز)، «اندیشه عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۹۳-۱۱۸



۱۸. فلاح، پیش، مین، ص ۵۱-۵۸
۱۹. «سخنرانی دکتر علی اکبر ولایتی در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی»، تهران (۱۳۹۰/۱۰/۱۰)
۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در اولین کنفرانس بین‌المللی بیداری اسلامی، (۱۳۹۰/۶/۲۶)
۲۱. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت اولین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، (۱۳۶۹/۳/۱۰)

